

می افتاد. در چنین مواردی، گفتار پیامبر ﷺ از حوادث پس از رحلت خود پرده برمی داشت و به منزله هنداری بود بر ضرورت همراهی با علی علیه السلام یا خطر مخالفت با او. گفتار پیامبر ﷺ خطاب به همسرش عائشه:

«چنان نباش که سگان حوالب بر تو پارس کنند» که با عبور عائشه از منطقه حوالب در جنگ جمل خودنمایی کرد.^(۱) و نیز سخنان هشداری حضرت به زبیر - که پس از پیاد آوردن این سخنان از سوی علی علیه السلام که در مذاکره‌ای خصوصی، باعث بیداری زبیر و رها کردن جنگ جمل شد - از نمونه‌های آن است.

تاکید بر فضائل اهل بیت علی علیه السلام و امامت ائمه علیهم السلام نیز مشهود است. روایات ظهور مهدی علیه السلام که در آنها بر بسیاری از ویژگی‌های آن حضرت هماهنگی با روایات جوامع شیعی تأکید شده و از نگاه قریب به اتفاق محققان اهل سنت جزء روایات متواتر است، و روایت: «مثل اهل بیتی، مثل سفینه نوح به اتفاق محققان اهل سنت روایت متواتر است، و بیتی من مثل کشتی نوح است که هرکس بر آن سوار شد نجات یافت و هرکس از آن کناره گرفت غرق شد».^(۲)

از نمونه‌های این دست از اخبار نقل شده از پیامبر ﷺ درباره فضائل اهل بیت علیهم السلام است.

از سوی دیگر، چنین تجلی‌هایی برای گروهی از اصحاب و نیز منافقان که فاقد ایمان و تقوا بودند، سخت دشوار می‌نمود و باعث برانگیختن حس حسادت و احیاناً عداوت آنان به اهل بیت علیهم السلام و کانون آن، یعنی علی علیه السلام می‌شد. بدین جهت بارها زمینه‌های آزار علی علیه السلام و فاطمه (س) را فراهم ساختند.

گران آمدن نشر فضائل علی علیه السلام برای جمعی از اصحاب از نگاه پیامبر ﷺ، پنهان نبوده است، بهترین شاهد مدعا اشاره خداوند در آیه ابلاغ است، آنجا که می‌فرماید: «وایا ایها الرسول بلغ ما أنزل إلیک من ربک و إن لم تفعل فما بلغت رسالتک و الله یعصک

۱. شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۴۶۵ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۸۱.
۲. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۳۳. امالی شیخ طوسی، ص ۱۳۷.
۳. قرب الاسناد، ص ۱۸، خلاصه نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۴.

باعث استهزاء قریش نسبت به ابوطالب شد.^(۱) و در آخرین اقدام رسمی و علنی در «حجة الوداع» آشکارا علی علیه السلام را به عنوان ولی و صاحب اختیار مؤمنان معرفی کرد و از همه مسلمانان خواست تا با او پیمان ولایت ببندند.^(۲)

و در آستانه رحلت نیز از حاضران خواست تا به او کاغذ و قلم بدهند تا مطلبی را برای آنان بنگارد که مانع ضلالت مسلمانان تا قیامت شود، که به اذعان بسیاری از محققان، مقصود آن حضرت تصریح بر خلافت و جانشینی حضرت امیر علی علیه السلام بوده است.^(۳)

فداکاری، خلوص، عبادت، ایثار و... حضرت امیر در این دوران چنان زیاتر و عام و خاص و ستودنی بود که بارها از سوی خداوند با نزول آیات قرآن، یا از زبان پیامبر ﷺ مورد تمجید و ستایش قرار گرفت.^(۴)

فداکاری و از جان گذشتگی علی علیه السلام در جنگ بدر، احد، خندق، خیبر و... صدور عباراتی، هم چون «لا فتی إلا علی لا سیف إلا ذو الفقار»، «صریة علی یوم الخندق فضل من عبادة الثقلین». از نمونه‌های آن است.^(۵)

مقام و منزلت امام علی علیه السلام برای تمام اصحاب امری شناخته شده بود، به گونه‌ای که همگان ایشان را محور حق گرایی می‌دانستند و به استناد گفتار پیامبر ﷺ که فرمود: «لا ینفک إلا منافق ولا یجئک إلا مؤمن»؛ تو را جز منافق دشمن نمی‌دارد و جز مؤمن دوست نمی‌دارد،^(۶) بر اساس دوستی و دشمنی با علی علیه السلام منافقان را از مؤمنان متمیز می‌دادند.^(۷)

گذشته از تجلیل و ستایش از علی علیه السلام که از سوی پیامبر ﷺ به صورت آشکار انجام می‌گرفت، گاه این امر به صورت نهانی و در حضور یک یا چند تن از اصحاب اتفاق

۱. برای تفصیل بیشتر رک: سیره حلبی، ج ۱، ص ۳۳۱، بخار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۶۴.
۲. بهترین و جامع‌ترین منبع در بررسی ماجرای غدیر کتاب تحریک التذکر نگاشته علامه نستوه امینی است.

۳. المراجعات، ص ۲۵۶.

۴. برای آگاهی از این ستایش‌ها رک: موسوعة الإمام علی بن ابی طالب، ج ۸، فصل‌های علی از زبان قرآن، از زین پیامبر ﷺ و از زبان خود.

۵. درباره فضیلت و از خودگذشتگی آن حضرت در جنگ‌ها رک: همان، ج ۹، ص ۴۶۱ - ۴۶۹.

۶. التذکره، ج ۳، ص ۱۸۴، تذکر المغان، ج ۱۱، ص ۲۲ و ۲۳.

۷. قرب الاسناد، ص ۲۶، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۹، المعجم الاوسط، ج ۲، ص ۳۲۸.

باری، مگر نه آن است که ابوبکر و عمر، روایات مکتوب خود و اصحاب پیامبر ﷺ را طی دستور الصلی گردآوری کرده و سوزاندند؟! آیا آنان از کتابت هرگونه حدیث به استثنای روایات احکام - آن هم به صورت محدود - جلوگیری نکردند؟ و آیا آنان با فراخوانی ناقلاں حدیث به مدینه و به زندان افکندن گروهی دیگر و مراقبت شدید امنیتی، از انتشار احادیث جلوگیری نکردند؟!

۲. محور روایات نکوهشی خلفا

انگیزه‌ای که حاکمان را واداشت تا فضائل اهل بیت ﷺ را پنهان سازند، به صورت کاملاً طبیعی آنان را مجاب ساخت تا روایاتی را که در آنها به نحوی نکوهش آنان و طرفدارانشان انعکاس یافته بود، محو سازند؛ زیرا سیاست تحکیم دستگاه حکومتی خلفاء زمانی به طور کامل به تحقق می‌پیوست که در کنار به فراموشی سپردن فضائل علی و فرزندان ایشان ﷺ، نکوهش مکعب خلفاء نیز به فراموشی سپرده شود.

آنان برای دستیابی به این هدف از دو شیوه بهره جستند:

۱. با ساختن روایاتی دِروغین، شخصیت پیامبر ﷺ را تا حد انساب‌های معمولی و پرتلوش - که گاه کارهای ناروایی، هم چون دشنام، ناسزاگویی و لعن اشخاص از آنان سر می‌زند - پایین آوردند، تا کسی به سخنان نکوهش‌آمیز پیامبر ﷺ برای قضاوت منفی درباره شخصیت افراد استناد نکند.

۲. با شیوه مخالفت با نقل، کتابت و تدوین حدیث، خاطره این گونه روایات را از اذهان پاک کردند تا در فرصتی مناسب روایاتی در ستایش آنان پراکنده شده و میان مسلمانان منتشر گردد.

در راستای شیوه نخست، روایاتی نظیر روایت زیر را از زبان آن حضرت جعل کردند: «اللهم ائمتنا ابا بشار فائما رجل من المسلمين سببته، او لعنته، او جلدته فاجعلها له زكاه و رحمة؛ خدایا من بشری بیش نیستم، پس هر یک از مسلمانان را که دشنام دادم، یا لعن کردم یا تازیانه زدم این کفیر را برای او مایه رشد و رحمت قرار ده.»^(۱)

طبق این دست از روایات پیامبر ﷺ تصریح می‌کند که من بشری بیش نیستم، اما این

۱. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۲۵.

مِنْ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»^(۱) ای پیامبر آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، ابلاغ کن و اگر نکنی پیامش را نرساندای و خدا تو را از [گردن] مردم نگاه می‌دارد. آری، خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند.

بررسی ابلاغ ولایت علی ﷺ چه خطر و نگرانی را برای پیامبر ﷺ دانسته که خداوند با اعلام محافظت از ایشان این نگرانی را برطرف می‌سازد؟! آیا جز آن است که پیامبر ﷺ از ریشه‌های تعصبات جاهلی مردم که هنوز در تاریک خانه دل‌های آنان جای داشت و از حاکمیت ارزش‌های غیر الهی در اندیشه آنان نگران بود؟! باری، پیامبر ﷺ می‌دانست که پذیرش ولایت و وصایت جوانی که تنها سی و سه بهار از عمرش می‌گذشت و او نیز پسان پیامبر ﷺ از تیره بنی هاشم بوده و در اجرای عدالت و احکام الهی بسیار سخت‌گیر و جدی است، برای بسیاری از مردم سنگین و ناگوار است. نگرانی‌هایی که بعدها به واقعیت پیوست و باعث بیست و پنج سال خانه نشینی آن حضرت شد.

این مخالفت‌ها و حسادت‌ها تا زمان حیات پیامبر ﷺ ادامه داشت، اما به هر حال حضور پیامبر ﷺ مانع از گسترش آن می‌شد. اما پس از رحلت پیامبر ﷺ زمینه برای آشکار شدن و عینیت بخشیدن به تمام دغدغه‌های درونی بسیاری فراهم شد و آنان به آرزوی دیرینه خود که همانا سپردن علی ﷺ به چاه فراموشی و محو او از تاریخ بوده، دست یافتند.

اما اینک که زمام کار را به دست گرفتند و بر سیاست چیره شدند، با فرهنگ و اندیشه مسلمانان که سر تا سر با فضائل علی و اهل بیت ﷺ عجین شد، چگونه چاره اندیشی کردند. منطقی‌ترین کاری که هر سیاستمداری در چنین شرایطی انجام می‌دهد، از بین بردن اسناد مکتوب و جلوگیری از ثبت اسناد جدید و نیز مخالفت از انتشار محتوای اسناد است. این درست همان کاری است که ابوبکر و عمر انجام دادند و عثمان نیز البته نه از روی درایت شخصی‌اش - که فاقد آن بود - بلکه با مشورت مشاورانی؛ هم چون مروان آن را دنبال کرد.

۱. سوره مائده، آیه ۶۷.

باشد».^(۱)

مخالفت با مصحف حضرت امیر علیه السلام را نیز می‌یابست بر همین اساس ارزیابی کرد؛ زیرا بر اساس مدارک تاریخی، از جمله ویژگی‌های مصحف حضرت امیر علیه السلام، گذشته از رعایت ترتیب آیات و سوره، ارائه تفسیر و تأویل و اسباب نزول بوده است که باطبیع بسیاری از حقائق تاریخی در لابلای آیات مرتبط ارائه شده بود.^(۲)

۳. بنیان‌گذاری رأی و اجتهاد در پوایر نفی

برخی از صاحب نظران شیعی، بر این باورند که هدف خلفاء از نقل و کتابت حدیث همواره ساختن زمینه برای رأی‌گرایی و گریز از روی‌رو شدن با نصوص دینی بوده است.

استاد شهرستانی در این باره چنین آورده است:

«از بحث‌های گذشته به این نتیجه می‌رسیم که عامل حقیقی پنهان در ورای منغ حدیث، تنها مخفی کردن فضائل اهل بیت علیهم السلام نبوده است، بلکه هدف آفرینش فضای فقهی جدید بوده تا خلیفه از رهگذر آن بتواند خلأ نانوایی فقهی خود را پر نماید... مردم می‌دانستند که خواص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود و از اسرار تنزیل و تأویل قرآن آگاهی کامل داشت. فرایند که از خواص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود و از اسرار تنزیل و تأویل قرآن آگاهی کامل داشت. از سوی دیگر قضایایی که خلیفه را ناگزیر به فتوا طبق رأی خود می‌ساخت، در نصوص روایی نیامده بود و او ناگزیر از اجتهاد بود و دست دیگران را نیز برای اجتهاد باز گذاشت تا او را در اجتهاد و رأی معذور دارند... بدین ترتیب ملامت از تدوین حدیث امکان‌رایی و اجتهاد را برای خلیفه فراهم ساخت».^(۳)

عبد الهادی فضل‌ی بر این باور است که: «عامل اساسی در منع تدوین حدیث، که آن را می‌توان در پرتو بررسی حوادث شکل گرفته پس از سقیفه و معتبر شناخته شدن رأی و اجتهاد در برابر نص دریافت، از بین بردن نصوص و یا اندک ساختن آن بوده است، بویژه آن دسته از نصوص که با فضائل اهل بیت مرتبط بود، تا بدین وسیله جریان رأی در برابر

۱. معالم الفتن، ج ۱، ص ۳۲۲ به نقل از مقاله تدوین حدیث (۶)، فصلنامه علوم حدیث، ص ۸، ۲۸ - ۲۹.

۲. از این مصحف در فصل سوم سخن خواهیم گفت.

۳. منع تدوین حدیث، ص ۳۵۷ - ۳۵۸.

جای شگفتی ندارد؛ زیرا بارها در قرآن بر آن تأکید شده است، با این تفاوت که طبق تصویر قرآنی، او بشری معصوم و بی‌رأسه دامن و پیامبر است، اما طبق این روایات او مرتکب لغزش‌های شگفت‌آوری می‌شود. دیگر آن که لمن و دشنام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نه تنها باعث هیچ منفعتی برای کسی نمی‌شود، بلکه به عکس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از خدا می‌خواهد که باعث قریت، رشد و رحمت او شود و البته که دعای پیامبر مستجاب است! بنابراین، اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ابوسفیان، معاویه و برادرش یزید را نفرین کرد،^(۱) یا وقتی معاویه و عمرو بن عاص را این چنین نفرین کرد:

خدایا! آنها را در فتنه به سختی گرفتار کن و در دوزخ به بدترین وضعی بگونسار ساز.^(۲) یا خاندان بنی امیه را شجره ملعونه مورد اشاره قرآن دانست^(۳)، یا مروان بن حکم را هنگام ولادت به جای دعا نفرین کرد،^(۴) همه اینها مایه کمال و رحمت برای آنان باشد! مخالف قریش با کتابت حدیث توسط عبد الله بن عمرو بن عاص بهترین گواه معاصرت آنان خطاب به او گفتند: آیا هر آنچه از پیامبر می‌شنوی، می‌نویسی، و حال آن که پیامبر بشری است که در حال خشود و ناخشودی سخن می‌گوید.^(۵)

پیداست آنچه مورد نظر قریش بوده، احادیث، فضائل و زرائل اشخاص است که از نظر آنها در حال خشودی، یا ناخشودی شخصی بیان شده و فاقد اعتبار است! و الا احادیث احکام، یا اخلاق و... کاری به خشودی، یا ناخشودی پیامبر نداشته است. یکی از محققان مصری می‌نویسد:

«گروه‌هایی از مردم را پیامبر لمن و کسانی را طرد کرده بود. جلوگیری از نشر احادیث پیامبر، باعث می‌شد که کم‌چگونگی آنها از یاد برود و داوری پیامبر درباره آنها به فراموشی سپرده شود، و حکومت در بهره‌گیری آنها، در میان مردم مشکلی نداشته

۱. شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۸۹، شرح الأخبار، ج ۲، ص ۱۲۷.

۲. مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۲۲۱.

۳. «و ما جعلنا الرّوايا التي أربناك إلا فتنه للناس والشجرة الملعونة في القرآن...» (سورة اسراء، آیه ۶۰)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با نزول این آیه و پس از آگاهی از قتل و غارت‌های بنی امیه تا پابل عمر هرگز خندان دیده نشده، رک.

۴. المستدرک علی الصحيحین، ج ۲، ص ۴۸.

۵. المستدرک علی الصحيحین، ج ۲، ص ۴۸.

۶. مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۱۶۲، المستدرک علی الصحيحین، ج ۱، ص ۱۰۶.

«کتاب مقدس موجود کنونی - تورات و انجیل - دچار تبدیل و تغییر شده و فائده صحت است؛ زیرا در کتاب مقدس نامی از محمد ﷺ برده نشده، در حالی که به یقین می‌دانیم نام پیامبر ﷺ چنان که در قرآن آمده در تورات و انجیل نیز برده شده است... پس تورات و انجیل دچار تحریف شده است. می‌پرسم چگونه تدوین شده‌اند؟ تماماً مثل حدیث شریف. به این معنا که می‌گوییم: سالیانی پس از عیسی ﷺ، گروهی از مردم که مسیحیان به آنان فرستادگان می‌گویند متی، یوحنا، مرقس و پولس آمدند و گفتند: ما انجیلی را که خداوند به عیسی فرستاد از حفظ داریم... و این امر باعث ظهور چهار انجیل مختلف و متفاوت شد... [درباره حدیث نیز] در قرن دوم و پس از سالیان طولانی از رحلت پیامبر ﷺ گشتند که: احادیث پیامبر را گرد آورده‌اند و معنای این سخن آن است که مسلمانان پس از گذشت دو سده از وفات پیامبر ﷺ بنای ثبت احادیث را گذاشتند و پس از دو سده کسی از معاصران پیامبر ﷺ زنده نبود تا حدیث صحیح را گرد آورده. وقتی در دوره جمع و تدوین حدیث هیچ یک از صحابه در قید حیات نبودند، چگونه توانستند احادیث صحیح را بنویسند. چنین گردآوری به معنای تکیه کردن بر شنیده‌ها و معنعن بودن اسناد است، پس پیامبر ﷺ از دنیا رفته و کسان پس از او نیز از دنیا رفته‌اند، آنگاه در هنگام جمع حدیث کسی مدعی می‌شود که پیامبر ﷺ چنین فرموده است...؟ و چنین حدیثی فاقد سند است.»^(۱)

می‌پندید که این چهره سیاسی با تشبیه روایات به کتب مقدس بخاطر تأخیر زمان تدوین از زمان حیات پیامبر ﷺ و صحابه و احتمال راهیافت تحریف، تبدیل و خطای حافظه و فقدان اتصال سند، روایات را فاقد اعتبار می‌داند. ما نمی‌خواهیم بر گفتار قدسی صحت بگذاریم و آن را از هر جهت درست قلمداد کنیم، بلکه مقصود آن است که معانیت از تدوین حدیث طی یک سده و شروع به تدوین پس از دو سده چنین شبهانی را پیش می‌آورد.

اسناد حسینی جلالی ضمن برشمردن تشکیک در سنت نبوی به عنوان یکی از زبان‌های معانیت از کتابت حدیث، گفتار برخی از خاور شناسان را در این زمینه آورده

۱. المدخل الی علوم الحديث، ص ۱۲ - ۱۳.

نص گزینی تقویت شود و در میدان سیاست به کار آید»^(۱).

روی آوری خلفاء، بویژه خلیفه دوم به رأی و اجتهاد در برابر نص از مسلمات تاریخی است، که مورد پذیرش بسیاری از صاحب نظران اهل سنت قرار گرفته است.

دکتر محمد رؤاس می‌نویسد: «نخستین استاد مدرسه رأی، عمر بن خطاب است، بویژه از گسترش دامنه حکومت اسلامی در بی‌فوجاتی که در دوران او رخ نمود و با مسائلی نوین روبرو شده.»^(۲)

احمد امین نیز معتقد است: «عمر، روشن‌ترین مصداق به کارگیری رأی و اجتهاد در مسائل و رخدادهاست که از وی آراء فراوانی نقل شده است.»^(۳)

زبان‌های معانیت از نگارش و تدوین حدیث

اینک که مشخص شد کار معانیت از نگارش و تدوین حدیث فاقد انگیزه الهی و تنها با هدف تحکیم پایه‌های حکومت خلفاء انجام گرفت، مناسب است زبان‌های آن را مورد بررسی قرار دهیم.

۱. از بین رفتن حلقه اتصال اسناد روایات

جلوگیری از نقل کتابت حدیث طی یک سده بدین معنا است که حلقه اتصال روایات میان تابعان و پیامبر ﷺ؛ عملاً از دست رفته است. چه، بیشتر صحابه پیامبر ﷺ تا پیش از پایان پذیرفتن سده نخست از دنیا رفتند. به استاد منابع تاریخی آخرین صحابه‌ای که از دنیا رفت ابو الطفیل عامر بن واثله بود که هشت سال حیات پیامبر ﷺ را درک کرد و در سال ۱۱۰ هجری با داشتن ۱۰۸ سال عمر، چشم از جهان فرو بست.^(۴)

برآستی چند تن از صحابه از چنین عمری طولانی برخوردار بوده‌اند؟! گفتار یک شخصیت سیاسی در این زمینه شنیدنی است. معتز قذافی رئیس جمهور کنونی لیبی می‌گوید:

۱. دروس فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۱۱۱.

۲. موسوعة فقه ابراهيم النخعي، ج ۱، ص ۵۸، به نقل از مقاله تدوین حدیث (۷) فصلنامه علوم حدیث، ش ۹، ص ۳۲.

۳. فجر الإسلام، ص ۲۲۶ - ۲۳۷.

۴. من له رواية في كتب السنة، ج ۱، ص ۱۵۲۷؛ تهذيب التهذيب، ج ۵، ص ۸۱.

انگیزه، یعنی ستنز دینی بیافزاییم با انبوه زیادی از روایات مجهول برخوردار خواهیم کرد.^(۱) از این رو اگر می‌خواهیم که بخاری از میان ششصد هزار روایت تنها هفت هزار روایت را برگزید و در صحیح خود گرد آورد و مالک از میان صد هزار روایت تنها سه هزار روایت، ابو داود از میان پانصد هزار حدیث تنها پنج هزار و دویست روایت، مسلم از میان سیصد هزار روایت تنها هفت هزار و دویست حدیث، و احمد بن حنبل از میان هفتصد و پنجاه هزار روایت، حدود سی هزار حدیث و... را آورده‌اند؛ جای شگفتی نخواهد داشت.

با صرف نظر از روایات ضعیف و موضوعی که در این جوامع روایی وجود دارد، و به رغم آن که بسیاری از روایات مجهول از صفحه تاریخ محو شده است، یکی از محققان معاصر اهل سنت در مقدمه کتاب «موسوعة الأحادیث والآثار الضعيفة والموضوعة» هفتاد و هشت عنوان کتاب در زمینه تبیین و معرفی روایات مجهول معرفی کرده است.^(۲) همه اینها نشان گر گوشه‌هایی از گستردگی دامنه پدیده شوم جعل و وضع روایات است. حال باید صادقانه پرسید: اگر خلفاء با نقل و کتابت حدیث مخالفت نمی‌کردند و این میراث گرانسنگ به صورت اسنادی مکتوب در می‌آمد، آیا حدیث با چنین گستردگی جعل و رویر و می‌شد؟ آیا اگر خلفاء، خیرخواه دین و مسلمانان می‌بودند، نمی‌بایست در می‌یافتند که هزاران دشمن خارجی و داخلی، اعم از زناده، یهود، فرقه سازان و... در کمین فرصت مناسبی برای تخریب پایه‌های دین‌اند؟ آیا آنان قرآن نخوانده بودند که خداوند در بلندترین آیه تنها برای جلوگیری از خطا و اشتباه و فراموشی از مسلمانان می‌خواهد که به هنگام فرض دادن به یکدیگر آن را مکتوب ساخته و حتی به امضای شاهدانی برسانند؟^(۳)

به عبارت روشن‌تر حتی اگر خطر جعل جاعلان وجود نداشت، خطر فراموشی و خطا در نقل روایت - که طبیعی هر انسانی است - نگارش حدیث را ضروری می‌ساخت. چگونه است که خلفاء برای کتابت قرآن به رغم نگاشته بودن آن در زمان پیامبر ﷺ به

۱. برای تفصیل بیشتر رک: الوضع فی الحدیث، ج ۱، ص ۳۶۹ - ۳۸۰، اصول الحدیث، ص ۱۲۲ - ۱۳۳.
 ۲. موسوعة الأحادیث والآثار الضعيفة والموضوعة، ج ۱، ص ۲۰۹ - ۲۱۱.
 ۳. سوره بقره، آیه ۲۸۲.

است.

به عنوان نمونه - گلذیزهر معتقد است: تمام روایات تدوین، مجهول است و تمام کتاب‌های تألیف یافته در زمینه گردآوری احادیث که منسوب به سده نخست است بر ساخته و فاقد اعتبار است.^(۱)

پیداست اگر از کتابت حدیث جلوگیری نمی‌شد و حلقه احادیث تا عصر پیامبر ﷺ بر اتصال می‌داشت، رخنه‌ای برای تشکیک در اعتبار سنت نبوی از سوی مستشرقان، یا امثال مصر قذافی ایجاد نمی‌شد.

۲. رهیافت وضع در روایات
 پدیده وضع و جعل یکی از تلخ‌ترین حوادث فرهنگی در تاریخ اسلام است که در حقیقت جنگی بود از دین علیه دین، آنچه جاعلان حدیث بر می‌ساختند، روایاتی بود که بخاطر انتساب ظاهرشان به پیامبر ﷺ از قداست و اعتبار کاملی برخوردار بودند، با این حال به مثابه تیشه‌هایی بودند که پیوسته در حال قطع ریشه اسلام و تخریب مبانی عقیدتی و اخلاقی اسلام به کار بسته می‌شدند.

بررسی تاریخ جعل حدیث، حقایق بسیار ناگوار را به دست می‌دهد. به عنوان مثال در میان عوامل و انگیزه‌های جعل حدیث از انگیزه الحاد و ستیز عقیدتی با دین نام می‌برند.^(۲) و روایاتی را که تنها این گروه با چنین انگیزه‌های بر ساخته‌اند. حدود چهارده هزار روایت بر شمرده‌اند.^(۳)

و معروف است وقتی که محمد بن سلیمان زندیق معروف ابن ابی الموجه را دستگیر کرده و حکم اعدام او را صادر کرد، او چنین اعتراف کرد: «به خدا قسم میان شما چهار هزار روایت جعل کرده‌ام که در میان آنها حلال را حرام و حرام را حلال معرفی کرده‌ام، و در روز روزه شما را به افطار و در روز افطار شما را به روزه واداشتم»^(۴)
 حال اگر سایر انگیزه‌ها؛ هم چون انگیزه‌های مذهبی، سیاسی، اخلاقی و... را به این

۱. تدوین السنة الشریفه، ص ۵۲۸ - ۵۲۹.
 ۲. المجروحین، ج ۱، ص ۶۲ کتاب الموضوعات، ج ۱، ص ۱۸.
 ۳. کتاب الموضوعات، ج ۱، ص ۲۰.
 ۴. همان، ص ۳۲۷، احادیث ام المؤمنین عائشه، ج ۲، ص ۳۲۷.

صورت صحف و گردآوری آن به صورت مصحف خود را به رحمت انداختند، تا آنجا که عثمان پس از مشورت با صحابیان مصحف پراکنده را در تش سوزاند.^(۱) با آن که شمار زیادی از مسلمانان حافظ قرآن بودند و احتمال خطا و جعل بخاطر اعجاز ساختاری و نیز تضمین الهی در آن وجود نداشت. اما درباره حدیث نه تنها به کتابت و تدوین آن تشویقی به عمل نیاوردند، بلکه با شدت و با استفاده از تمام قدرت مانع انتشار و ثبت آن شدند؟! آیا آنان و کسانی که کار خیانت آلودشان را توجیه کرده‌اند، در پیشگاه تاریخ پاسخی در خور دارند؟!

برخی از محققان منصف اهل سنت خود به این حقیقت اذعان کرده‌اند که منخ تدوین حدیث زمینه ساز راهیافت جعل حدیث شده است.

محمد ابوریه در این باره می‌نویسد:

«از جمله آثار تأخیر تدوین حدیث تا سال‌های آغازین سده دوم، گسترش بدون حد و مرز و بدون ضابطه باب وضع و گسترش دروغ بود. تا بدانجا که شمار روایات معجول به هزاران روایت رسید و بسیاری از آنها در میان آثار و نگاشته‌های مسلمانان در شرق و غرب جهان اسلام راه یافت.»^(۲)

۱. برای تفصیل بیشتر رک. مناهل العرفان، ج ۱، ص ۲۶۰ التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۳۸، ۳۵۴.
۲. أنواء علی السنة المحمدیه، ص ۱۲۱.

دوره تدوین روایات

مهم‌ترین و نقشی آفرین‌ترین دوره در میان ادوار حدیثی اهل سنت، دوره دوم است که در آن جوامع روایی اهل سنت به عنوان میراث حدیثی آنان فراهم آمد؛ زیرا اتمام ادوار پسین تا دوران معاصر به گوندای متأثر از این دوره و کتاب‌های نگاشته شده در این دوره است. ظهور کتاب‌های حدیثی، هم چون «موطأ مالک»، «مسند احمد بن حنبل»، «صحیح بخاری»، «صحیح مسلم» و... مربوط به این دوره است.

اینک به بررسی این کتاب‌ها و مؤلفان آنها می‌پردازیم:

۱. موطأ مالک بن انس (م ۱۷۹)

مالک بن انس در سال ۹۳ هجری در مدینه به دنیا آمد و در سال ۱۷۹ هجری در همین شهر چشم از جهان فرو بست.^(۱) او در مدینه از حضور اساتید و مشایخ حدیثی ناموری که جزء بزرگان تابعان بودند، همچون: ربیعۃ الرأی، ابن شهاب زهری، زید بن أسلم، یحیی بن سعید انصاری و... بهره جست.^(۲) او هم چنین مدتی از محضر امام صادق علیه السلام بهره گرفت و پیوسته آن حضرت را به کثرت عبادت می‌ستود.^(۳) مالک یکی از ائمه چهارگانه فقه اهل

۱. تاریخ الاسلام، ج ۱۱، ص ۳۱۸.
۲. سیر اعلام النبلاء، ج ۸، ص ۴۹. در این میان ابوبکر عبدالله بن مزید معروف به ابن هرمز (م ۱۲۸) بیشترین تأثیر در تربیت علمی او داشته است. رک. موطأ مالک، ج ۱، ص ۲۰.
۳. أمالی صدوق، ص ۱۳۴؛ الخصال، ج ۱، ص ۱۶۷.

۱۷۲۰ روایت آورده که از آن میان ۶۰۰ حدیث مستند، ۲۲۲ حدیث مرسل، ۶۱۳ حدیث موقوف [=گنثار صحابه] و ۲۸۵ روایت گنثار ناچمان [=مقطوع] است.^(۱)

با توجه به قدمت این کتاب و پدیده استنساخ، نسخه‌های موطاً دچار اختلاف شده است که شمار آن را تا سی نسخه گنجانند.^(۲) بنا به نقل سیوطی که خود از شارحان موطاً است، مشهورترین نسخ موطاً چهارده نسخه است که از میان آنها معروف‌ترین نسخه‌ها، عبارتند از: ۱. نسخه یحیی بن یحیی؛ ۲. نسخه محمد بن حسن شیبانی؛ ۳. نسخه ابو مصعب زهری؛ ۴. نسخه ابن وهب.^(۳) و از میان آن‌ها نسخه یحیی بن یحیی لیبی (م ۲۲۴) را صحیح‌ترین نسخه دانسته‌اند.^(۴)

کتاب موطاً بخاطر جایگاه علمی و فقهی مالک در میان اهل سنت - و نیز دقت مؤلف در نگارش - از احترام ویژه‌ای برخوردار است. شافعی معتقد است: صحیح‌ترین کتاب‌ها در زمین پس از قرآن، موطاً مالک است.^(۵) و دهلوی کتاب «موطاً» و «صحیح بخاری» و «مسلم» را در بالاترین سطح اعتبار می‌شناسد.^(۶)

عالم‌ان اهل سنت بر موطاً مالک شرح‌هایی نگاشته‌اند که از جمله آنها می‌توان به شرح ذیل اشاره کرد: دو شرح مطول و مختصر جلال الدین سیوطی بر موطاً به نام‌های:

۱. کشف المغطافی شرح الموطاً ۲. تنویر الحوالمک فی شرح موطاً مالک و شرح عبد الباقي زرقانی از عالمان مصری در سده یازدهم.

کتاب موطاً مالک بخاطر آوردن روایات مرسل، و نیز جانبداری از مکتب نقل‌گرایان در برابر مکتب عقل‌گرایان عراقی و... مورد نقد قرار گرفته است.^(۷)

موطاً مالک دارای ۳۰۹۱ روایت و در دو جلد منتشر شده است.

۱. أسماء علی السنة المحمدیه، ص ۳۱۱. شمار روایات کتونی موطاً به مراتب بیش‌تر این رقم است.

۲. تاریخ عمومی حدیث، ص ۱۲۴. برخی از دانشمندان، هم چون دار قطنی و ابو الولید باجی، کتابی با عنوان باختلاف الموطأ، نگاشته‌اند.

۳. برای تفصیل بیشتر راجع: موطاً مالک، ج ۱، ص ۱۰-۱۶.

۴. همان، ص ۱۶.

۵. همان، ص ۱۴. أسماء علی السنة المحمدیه، ص ۳۱۰.

۶. أسماء علی السنة المحمدیه، ص ۳۱۰.

۷. علم حدیث، ص ۳۶.

سنت و بنیان‌گذار فقه مالکی است. تکیه بر سنت پیامبر ﷺ و تا حدود زیادی پرهیز از رأی و قیاس از ویژگی‌های فقه اوست.^(۱)

مالک، کتاب موطاً را در پاسخ به درخواست منصور عباسی نگاشت. شافعی چنین قلم می‌کند:

«منصور در سال ۱۴۸ هجری به مدینه آمد و مالک بن انس را طلبید و به او گفت: مردم در عراق دچار اختلاف شده‌اند از تو می‌خواهیم که کتابی برای مردم فراهم آوری تا باعث اجتماع و اتحاد مردم شود. مالک در پاسخ منصور - خلیفه عباسی - اقدام به تدوین موطاً نمود».^(۲)

او از میان صد هزار حدیث ده هزار روایت را انتخاب کرد و برای تنقیح روایات، پیوسته به آنها مراجعه می‌کرد و با محک قرآن و حدیث می‌سنجید تا آن که بالآخره شمار روایات به سه هزار روایت، تقلیل یافت.

از نگاه برخی از محققان اگر مالک فرصتی دیگر می‌یافت، در پی مراجعه مکرر همه روایات کتابش را حذف می‌کرد.^(۳)

مالک، پس از نگاشتن کتاب خود آن را بر فقهای مدینه عرضه کرد و بخاطر کوشش زیادی که در تنقیح و پیراسته ساختن کتاب خود به عمل آورد، نام آن را موطاً گذاشت که به معنای کتاب منقح و آماده است.^(۴)

مالک خود گفته است:

«پس از تألیف کتاب آن را بر هفتاد تن از فقهای مدینه عرضه کردم و چون همگی در محتوای کتاب با من موافقت داشتند آن را موطاً (به معنای موافقت شده) نامیدم».^(۵)

کتاب موطاً، کهن‌ترین کتاب روایی تدوین یافته اهل سنت است که در سده دوم نگاشته شده و به دست مار سیده است. ابوریح به نقل از ابوری آورده است که مالک در این کتاب

۱. حلیة الاولیاء، ج ۵، ص ۳۲۴-۳۲۶.

۲. أسماء علی السنة المحمدیه، ص ۳۱۳.

۳. همان، ص ۳۱۰-۳۱۱.

۴. راؤدن مشترک، ج ۲، به نقل از شرح زرقانی بر موطاً، ج ۱، ص ۱۲.

۵. مقدمه موطاً، ج ۱، ص ۴. الحدیث و المحدثون، ص ۲۴۶.

شمار روایات مستند بر اساس چاپ‌های اخیر انجام شده ۲۷۷۱۸ اثر اساس چاپ دار الفکر [یا ۲۷۵۹۹ اثر اساس چاپ دار الحدیث] است.

المسند الاحمد فیما يتعلق بمسند احمد از این جزری و عقود الزرجد علی مسند الامام احمد از سیوطی از شرح‌های مسند ابن حنبل اند.^(۱)

مسند ابن حنبل در بوته نقد

به رغم آن که احمد بن حنبل از اعتبار مسند خود دفاع کرده و گفته است: «من این کتاب را به عنوان راهنمای مسلمانان تدوین کردم که اگر مردم در سستی از رسول خدا ﷺ اختلاف کردند به آن مراجعه کنند و اگر در آن نیافتند، باطلش انگارند».^(۲) ما بر این کتاب قدح‌هایی وارد شده است، از جمله:

۱. کتاب مسند در زمان حیات مؤلف و با نظارت خود او تکمیل و تنقیح نشد. فرونی‌هایی که توسط فرزند او عبد الله و نیز شاگردش ابوبکر قطیعی انجام گرفته، شاهد آن است. این امر از اتقان کتاب می‌کاهد. بویژه آن که گفته‌اند در زیادات «قطیعی» احادیث موضوع نیز راه یافته است.^(۳)

۲. از آنجا که احمد بن حنبل خود تصریح می‌کند، که ما به عکس روایات حلال و حرام [احکام] در روایات فضائل تسامح می‌کنیم و در صحت سند سخت‌گیری روا نمی‌داریم،^(۴) از اعتبار این دست از روایات کاسته می‌شود؛ زیرا همین تسامح عملاً به انعکاس روایات مجعول می‌انجامد.

بر این اساس شماری از صاحب نظران همچون زین الدین عراقی بر وجود روایات ضعیف در مسند احمد بن حنبل و تا حدودی روایات مجعول پای فشرده‌اند.^(۵) محمود ابو ریّه پس از نقل دیدگاه‌های صاحب نظران درباره مسند چنین آورده است:

۱. برای تفصیل بیشتر رک: مسند نویسی، ص ۳۵۰ - ۳۵۱.
۲. اقواء علی السنة المحدثه، ص ۳۳۵، خصائص المسند، ص ۲۱.
۳. رک: مسند نویسی، ص ۳۳۵ - ۳۳۶.
۴. اقواء علی السنة المحدثه، ص ۳۴۴.
۵. تدرب الراوی، ج ۱، ص ۱۷۱؛ القول المسند، ص ۲.۲.

۲. مسند احمد بن حنبل (م ۲۴۱)

احمد بن حنبل که از نظر نسب از مردم مرو خراسان به شمار می‌رود، در سال ۱۶۴ هجری در بغداد به دنیا آمد. و در سال ۳۴۱ در همین شهر چشم از جهان فرو بست.^(۱) او تحصیل خود را در این شهر دنبال کرد و برای فراگیری دانش بیشتر به شهرهای مختلف؛ هم چون مدینه، بصره، کوفه و... مسافرت نمود و از درس اساتید و مشایخ حدیث؛ هم چون وکیع، سفیان بن عیینه، هشیم بن بشیر، قاضی ابو یوسف، شافعی و... بهره جست.^(۲) احمد بن حنبل بنیان‌گذار فقه حنبلی و یکی از امامان چهارگانه فقه اهل سنت است. او بنا به نقل ابن ندیم، ۱۳ کتاب به رشته تحریر در آورده «المسند» و «الملل» مهم‌ترین آنها به شمار می‌روند.^(۳)

او بخاطر اعتقاد به قدیم بودن قرآن، از سوی مأمون و بویژه معتمد عباسی محتفل تازیانه و زندان شد، اما پس از حاکمیت متوکل و پایان پخشیدن به حاکمیت علمی معتزله، از جایگاه احترام‌آمیز ویزه‌های برخوردار شد و عقاید و فقه او به سرعت انتشار یافت.^(۴) با توجه به این که در اواخر سده دوم، گرایش ویزه‌ای به مسند نویسی در میان محدثان پدیدار شد و کسانی؛ هم چون سلیمان بن جاره و طیلانی (م ۲۰۴)، عبید الله بن موسی (م ۲۱۳)، عثمان بن ابی شیبیه (م ۲۲۹)؛ به مسند نویسی روی آوردند، احمد بن حنبل با توجه به گسترده‌گی روایاتی که به آنها دست یافته بود، اقدام به تدوین مسند نمود.

او روایات مسند را از میان هفتصد و پنجاه هزار روایت انتخاب کرد و پیوسته به نوشتن و گردآوری آن‌ها در برگه‌هایی که حکم چرکنویس داشت اقدام کرد. سپس بخاطر احساس پایان یافتن عمر آن‌ها را بر فرزندان و نزدیکان خود خواند و پیش از پلایش و ویرایش آن‌ها از دنیا رفت. آنگاه فرزندش عبدالله و نیز شاگردش قطیعی روایاتی بر آن افزودند و مسند به صورت کنونی درآمد.^(۵)

۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۱۸۰.
۲. ذهبی شمار زیادی از اساتید او را نام برده است. رک: همان، ص ۱۸۰ - ۱۸۱.
۳. الفهرست، ص ۱۲۸۵؛ الاعلام، ج ۱، ص ۲۰۲.
۴. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۴۲۲؛ تاریخ الاسلام، ج ۱۸، ص ۱۶.
۵. مسند نویسی، ص ۳۳۳ - ۳۳۴. به نقل از ابن جزری، و سفارینی.

بسیاری دیگر از روایات است.

ابن حجر درباره انگیزه بخاری معتقد است:

چون بخاری مسانید را ملاحظه کرد، به این نتیجه رسید که روایات صحیح و ضعیف در آنها در هم آمیخته، به گونه‌ای که تمیز میان آنها برای همگان میسر نیست. از این رو تصمیم گرفت از میان هزاران حدیث، احادیث صحیح را گردآوری کند تا برای کسی جای تردید نماند.^(۱)

بخاری بر اساس شرائطی روایات خود را انتخاب کرد که عبارتند از: اتصال سند تا طبقه صحابه، عدالت و ضابط بودن راویان. او گرچه بر این شرائط تصریح نکرده، اما این شرائط از شیوه او در کتاب قابل برداشت است.^(۲)

او نگارش کتاب خود را در حرم پیامبر ﷺ آغاز کرد و برای تکمیل کار، شانزده سال در بصره و شهرهای دیگر درنگ نموده و سپس آن را در زادگاه خود به پایان رسانده است. می‌گویند: او برای انتخاب هر حدیث، اول غسل می‌کرد. آنگاه استخاره می‌نمود، سپس دو رکعت نماز به جای می‌آورد.^(۳)

بنا به قرائنی بخاری کتاب خود را بر احمد بن حنبل، یحیی بن معین، علی بن مدینی و شماری دیگر از محدثان عرضه کرد و آنان به استثنای چهار حدیث بر صحت سایر روایات گواهی دادند.^(۴) بخاری خود از حجّیت و صحت روایات صحیح خود دفاع کرده و گفته است: «این کتاب میان من و خدایم حجّت است. من جز حدیث صحیح در آن نیاورده‌ام».^(۵)

صحیح بخاری در میان عالمان اهل سنت از جایگاه بس متنازی برخوردار است. به گونه‌ای که آن را تالی تلو قرآن و صحیح‌ترین کتاب‌ها پس از کتاب خدا دانسته‌اند. شافعی معتقد است صحیح‌ترین کتاب‌ها، صحیح بخاری است.^(۶)

ابن حجر در مقدمه شرح خود بر صحیح بخاری در فصلی از اصح بودن صحیح بخاری

۱. مقدمه فتح الباری، ص ۵.
۲. مقدمه فتح الباری، ص ۷-۸، اصول الحدیث، ص ۳۱۲-۳۱۳.
۳. علم حدیث، ص ۳۴، به نقل از مقدمه التاج، ج ۱، ص ۱۵، مقدمه جامع الأصول، ج ۱، ص ۱۸۶.
۴. الحدیث و المحدثون، ص ۳۷۸.
۵. همان، ص ۳۷۹.
۶. مقدمه ابن صلاح، ص ۲۰.

«این‌ها نقطه نظرات عالمان نامداری بوده که ذکر آنها را درباره مسند احمد مناسب دیدم و همین مقدار برای مسند و ارزش و اعتبار آن بسنده است و نشان می‌دهد، به عکس آنچه مشهور است، مسند جزء منابعی است که نمی‌توان به آن اعتماد، یا استدلال کرد و حکم آن بسان سایر مسانید است».^(۱)

۳. صحیح محمد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶)

ابو عبد الله محمد بن اسماعیل بخاری در سال ۱۹۴ هجری در بخارا به دنیا آمد. او بخشی از تحصیلات خود را در موطن خود دنبال کرد، و از آنجا که پدرش پس از درگذشت، ثروت زیادی برای او به ارث گذاشت او با استفاده از این ثروت برای تکمیل معلومات و استفاده از مشایخ حدیث به شهرهای مشهور در خراسان، عراق، حجاز و شام مسافرت نمود.^(۲) او بخاطر حفظ احادیث زیاد و تبحر در زمینه حدیث‌شناسی مورد تکریم عالمان عصر خود قرار گرفت. او از اساتید و مشایخ بزرگ عصر خود همچون: ابو زرعه رازی، احمد بن حنبل، یحیی بن معین و اسحاق بن راهویه حدیث آموخت.^(۳) بخاری پس از مسافرت‌های مکرر، در سال ۲۵۶ به زادگاه خود بازگشت و در سال ۲۵۶ هجری در خرتنگ یکی از روستاهای سرقد و وفات یافت.^(۴)

بخاری خود درباره انگیزه فراهم آوردن صحیح گفته است: روزی نزد استاد خود اسحاق بن راهویه بودیم که گفت: چه می‌شد اگر کتاب مختصری درباره سنت صحیح رسول اکرم فراهم می‌کردید! این امر در دلم نشست و شروع به گردآوری جامع روایی صحیحی نمودم و صحیح خود را از میان ششصد هزار روایت گرد آوردم.^(۵)

او می‌گفت: من صد هزار حدیث صحیح و صد هزار حدیث غیر صحیح را در حفظ دارم و این امر نشان‌گر کثرت روایات در عصر بخاری و نیز ضعیف و جعلی بودن

۱. اضراء علی السنة المحمدیه، ص ۲۴۷.
 ۲. تاریخ مدنیة دمشق، ج ۵۲، ص ۵۰؛ تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۵۵۵؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۳۹۲.
 ۳. تاریخ مدنیة دمشق، ج ۵۲، ص ۵۰-۵۱؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۳۹۲-۳۹۶.
 ۴. تاریخ مدنیة دمشق، ج ۵۲، ص ۵۶.
 ۵. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۴۰۱، مقدمه فتح الباری، ص ۵.
- ع تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۵۵۶.

روایات فضایل اهل بیت (علیهم السلام) را آورده و نه مثل حاکم نیشابوری چندان دم از محبت خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) زده است و نه هم چون جابر الله زمخشری به مذهب اعتزال گرایشی نشان می دهد. وقتی بخاری پس از غسل، استخاره و نماز چنان زیبا روایات مربوط به تاریخ اسلام و خلفاء را می چنبد که نه سیخ بسوزد و نه کباب - و بر پیشانی طرفداران مکتب خلفاء، چین و شکنی نشیند - چرا کتاب او اصح کتب شناخته نشود!

صحیح بخاری و نقدها

به رغم دفاع بخاری از صحت روایات صحیح خود و نیز تأکید بسیاری از عالمان اهل سنت بر اصح بودن صحیح بخاری پس از قرآن، نقدهای قابل توجهی بر این کتاب شده است:

الف) ضعف های سندی صحیح بخاری

با آن که درباره روایاتی که بخاری در صحیح آورده، گفته شده است: «کُلٌّ مِنْ رُوی عَنْهُ الْبُخَارِی قَدْ جَاوَزَ الْقَنْطَرَةَ» هر کس که بخاری از او نقل کرده باشد از پل اجرح و تعدیل رجالیان [گذشته است].^(۱) اما واقعیت نشان می دهد که او از افراد فاسق و فاجر، خارجی و ناصبی، و دین به دنیا فروخته؛ هم چون، عمرو بن عاص، مروان بن حکم، ابوسفیان، معاویه، مغیره بن شعبه، عبد الله بن عمرو بن عاص، نعمان بن بشیر - که تا آخرین لحظه ملازم معاویه و فرزندانش بزیاد بود و در تمام جرائم آنان شرکت داشت - ابوهریره، عبد الله بن عمر، ابو موسی اشعری، عبد الله بن زبیر، عمران بن حطان - که از رؤسای خوارج و از خطبای آنان بود - عروة بن زبیر، عکرمه - حامل انتشار مذهب خوارج و اباضیه در مغرب - ... روایات فراوانی نقل کرده است. ما از افراد صادق و سرچشمه معارف اسلامی و معلم فرهنگ غنی اسلام و حدیث، یا اصلاً حدیث نقل نکرده و یا اگر هم نقل کرده نسبت به دیگران بسیار ناچیز و کم است. مثلاً از ابوهریره که سال به سال مصاحب پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود ۴۴۶ حدیث، از عبد الله بن عمر ۲۷۰ حدیث، از عائشه ۲۴۲ حدیث، و از ابو موسی اشعری

۱. مقدمه فتح الباری، ص ۳۸۱؛ الکشف الخبیث، ص ۱۱۲؛ الصحیح من السیرة، ج ۱، ص ۳۶۰.

در زمینه حدیث دفاع کرده است.^(۱)

نوی می نویسد: «علماء به یکصدا معتقدند که صحیح ترین کتاب ها پس از قرآن صحیح بخاری و صحیح مسلم است و امت همگی این دو کتاب را پذیرفته اند و کتاب بخاری در مقایسه با صحیح مسلم صحیح تر و فائده اش بیشتر است.»^(۲) ذهبی نیز شبیه چنین سخنی را البراز کرده است.^(۳)

از این عبارات ها که از زبان مشهورترین عالمان و محدثان اهل سنت ارائه شده می توان برداشت کرد که همگان صحیح بخاری را پس از قرآن معتبرترین کتاب می شناسند و از صحیح مسلم در مرتبه سوم یاد می کنند.

صحیح بخاری بنا به تحقیق فؤاد عبد الباقی دارای ۷۵۶۲ روایت است.

عوامل اعتبار «صحیح بخاری» نزد عالمان اهل سنت

به نظر می رسد عوامل ذیل در برخورداری صحیح بخاری از اعتباری بس رفیع نبرد عالمان اهل سنت نقش داشته است:

۱. قدمت کتاب؛ چنان که بیان شد پیش از صحیح بخاری دو کار برجسته در زمینه گردآوری احادیث انجام گرفت که عبارت بودند از: موطأ مالک و مسند احمد بن حنبل. موطأ مالک بخاطر فقدان جامعیت و برخورداری از صنفه اجتهادی و نیز مسند احمد بن حنبل به خاطر برخورداری از روایات ضعیف و موضوع - چنان که تبیین شد - نتوانستند از جایگاه ممتاز صحیح بخاری برخوردار باشند. بنابراین باید اذعان کرد که صحیح بخاری جامع ترین و در عین حال متقن ترین کتابی است که در دیرپاترین تاریخ تدوین حدیث؛ یعنی در نیمه اول سده سوم فراهم آمد.

۲. محتوای صحیح؛ کسانی که بخاری را تا سرحد ثانی تلو قرآن بالا برده و آن را بس از کتاب الهی اصح کتب معرفی کرده اند با مراجعه میدانی به روایات صحیح دریافته اند که کتاب صحیح همان رنگ و بویی را دارد که آنان طالب اند؛ او نه بسان احمد بن حنبل

۱. همان، ص ۷ - ۸.

۲. شرح مسلم، ج ۱، ص ۱۴.

۳. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۴۷۰.